

خبر
۷۰ هزار افغانی شاغل در کرمان
● ایسنا: مدیرکل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان کرمان، گفت: اتساع ییگانه بسیاری از فرصت‌های شغلی استان را بروده‌اند. رضا اسماعیلی‌پور در دیدار با استاندار کرمان، حضور اتباع ییگانه را یکی از معضلات اساسی استان، اعلام و اظهار کرد: نزدیک به ۷۰ هزار شاغل افغانی در استان داریم که سه هزار نفر از آنها به‌صورت قانونی و بقیه غیرقانونی کار می‌کنند.

ادامه از صفحه اول

روزنه برای گمشدگان فضای مجازی

اگر این گزاره را حتی به‌صورت نسبی درست بدانیم، همچون هر پدیده دیگری به جای آنکه در آن لزوما امری مثبت یا منفی ببینیم، بهتر است تلاش کنیم سازوکارهای اجتماعی آن را درک کنیم و شاید بتوانیم از این راه قدمی در بهبود رابطه میان یکدیگر و روابط اجتماعی خویش برداریم. ابتدا از جنبه منفی این امر آغاز کنیم و سپس به جنبه مثبت آن برسیم. ترجیح دادن یک فضای مجازی به یک فضای واقعی، در شرایطی که ما در فرهنگ خود می‌شناسیم، عموما ناشی از نبود یا کمبود یا از آن وخیم‌تر، عدم انطباق فضاهای موجود واقعی با نیازهای کنشگران است؛ امری که این کنشگران را به سوی استفاده از فضاهای مجازی جایگزین می‌کناند و از آن بدتر این فضاها را در موقعیت‌های کزکارکردی یعنی خارج از کارکردهای مناسبشان قرار می‌دهد، یک مصداق روشن و بسیار رایج در این امر، نبود یا کمبود و عدم انطباق فضاهای روابط سالم اجتماعی میان دختران و پسران جوان است. روشن است در جامعه‌ای که اکثریت مطلق جمعیت آن را جوانان در سن ازدواج تشکیل می‌دهند نیاز به فضاهایی برای آن وجود دارد که این گروه‌ها با یکدیگر آشنا شوند. تقلیل‌دادن این فضاها به مکان‌های آموزشی همچون دانشگاه‌ها که در سال‌های اخیر انجام شده، کاری است نادرست که به هر دو کارکرد یعنی هم رابطه بین دختر و پسر و هم رابطه علمی ضربه می‌زند. مثالی دیگر وجود کنترل غیرضابطه‌مند اجتماعی در فضاهای عمومی، تصدی‌گری دولت در زندگی روزمره مردم و کمبود فضاهای لازم برای ایجاد و بروز شده‌ی است که نتیجه آن گریز از فضاهای عمومی و پناہ‌بردن به فضاهای خصوصی از جمله فضاهای مجازی است. به نظر می‌رسد اگر مصداق‌های این آسیب‌ها را در شهرهای خود شناسایی کنیم، بتوانیم با سیاست‌گذاری و مدیریت بهتر شهری از آسیب بعدی یعنی شکل‌گیری فضاهای مجازی آسیب‌زا جلوگیری کنیم. اما فرورفتن در فضاهای مجازی و قرارگرفتن در شبکه‌های اجتماعی را نباید لزوما امری منفی تلقی کرد. امروز این شبکه‌ها با وجود تمام مشکلات و جنبه‌های منفی خود، دروازه‌هایی گشوده به سوی جهان آینده هستند که از همین لحظه در حال شکل‌گرفتن هستند؛ جایی که می‌توان آموخت، به دیگران آموزش داد، کتاب خواند، فیلم دید، زبان‌های دیگر را فرا گرفت، کتاب و مجله منتشر کرد، فرهنگ خود را بالا برد، اخبار را دید و شنید و خواند و... اینکه در خیالات خود از یک رمانتیسم قرن نوزدهمی حرکت کنیم و بخواهیم به‌دور از فناوری‌های جدید، از «کتاب کاغذی» یا امر مقدس بسازیم، از «دودجراج‌خوردن» به مقایسه یک روش عملی و کارا برای بالابردن دانش دفاع کنیم و در یک کلام، دورشدن از رایانه و وسایل ارتباطات جمعی در زندگی را تبلیغ کنیم، شاید مناسب نوعی خیال‌پردازی «روشنفکرانه»، در بدترین مفهوم این واژه باشد؛ نوعی کنش اجتماعی غیرمسئولانه، جداشدن از روابط واقعی زندگی و مسائل آنها و در نتیجه حاشیه‌ای‌شدن‌های ناگزیر از این رفتار، اما باید بدانیم این دیدگاه، نوعی از گفتمان و کنش انزواهنده و سسترون است که دیگر هیچ خریداری ندارد. باید این امر را باور کرد که گذشته، حتی اگر واقعا یک خیال و رؤیای طلایی از پایه تصنعی نیز نباشد که ما آن را با ابزارهای حال و تخیل نیست به آینده می‌سازیم، به‌رحال از‌دست‌رفته است. این بدان معنا نیست که گذشته را باید به‌دور ریخت یا فراموش کرد، بلکه باید آن را به زمان حال آورد تا از آن به بهترین شکل بهره برد. برای این کار تنها بی‌شک بهترین روش، آن است که تلاش کرد از گم‌گشتگی در فضای مجازی خود را نجات داد، اما نه با روش‌های ریاضتی و زاهدمسلكی تصنعی، بلکه با درک جهان واقعی به‌شکلی که واقعا در جریان است. اگر حضور ما در فضای مجازی برای تقویت تخیلات و توهم‌های‌مان و برای وقت‌کشی باشد، البته بهتر است از آن فاصله بگیریم، ولی اگر این حضور را برای خود فرصتی بشناسیم برای آنکه جهان‌های تازه و در حال شکل‌گیری آینده را کشف کنیم، باید حضورمان را هرچه بیشتر تقویت کنیم. مطمئن باشیم این تقویت حضور در این حالت آگاهانه و هوشمندانه، نه‌تنها روابط و فضاهای واقعی را از میان نمی‌برد، بلکه از خطاهای جاری، رایج و گسترده که در رابطه با فضاهای واقعی هر روز در حال ارتکاششان هستیم، احتمالا نجاتمان خواهد داد. فضاهای واقعی و فضاهای مجازی هرکدام جایگاه در‌خور خود را دارند و تنها از تعاملی هوشمندانه میان آنها می‌توان امیدوار بود که آسیب‌های اجتماعی را به‌سوی کاهش سوق داد و امید را برای بهره‌برداری بهتری از زندگی، فراهم کرد.

رضا غیبی: مؤسسات مالی غیرمجاز و رشد قارچ‌گونه آنها، اتفاقی است که کمترکسی می‌تواند باور کند سربرآوردن آنها در دل اقتصاد از دید دستگاه‌های نظارتی و بانک مرکزی، پنهان مانده است. این مؤسسات در یک دهه گذشته اقتصاد کشور و معیشت خانواده‌ها را به‌بازی گرفته و خسارات جبران‌ناپذیری را به بدنه اقتصاد کشور وارد کردند؛ همان‌هایی که وقتی قافیه تنگ آمد، به‌جای برخورد و بازخواست، راهی به‌نام ادغام پیش‌پایشان گذاشته شد تا این‌بار دست در دست یکدیگر داده و همان سیاست‌های گذشته را دنبال کنند؛ اما این‌بار با ابزار قانون. اینکه چرا در ایران اسلامی، بانکداری به بدترین شکل ممکن در حال اجراست و نقش شبکه‌های قدرت (اقتصادی و سیاسی) در ظهور این مؤسسات مالی چیست را با محمود جام‌ساز به بحث‌وگو گفت‌وگو گذاشته‌ایم. جام‌ساز از حمایت شبکه‌های قدرت و فساد از این مؤسسات می‌گوید و معتقد است اینها برای ثروتمندشدن شهروندان درجه یک و فقیرترشدن شهروندان درجه دو، تأسیس شده‌اند. به باور وی، دولت روحانی هم با وجود حمایت‌های پشت‌پرده‌ای که از این مؤسسات می‌شود، راه را اختیار دارند، بهره‌ای البته مشکلات به‌قدری زیاد است که چشم‌انداز روشنی برای تحقق شعارهای روحانی وجود ندارد. گفت‌وگوی «شرق» با محمود جام‌ساز را درادامه بخوانید:

مؤسسات مالی و اعتباری بدون مجوز که ها‌است در اقتصاد ایران ظهور کرده‌اند، تا چه میزان بر اقتصاد کشور و معیشت خانواده‌ها تأثیر گذاشته‌اند؟

اصولا بانک‌ها در کشورهای توسعه‌یافته‌که از مهم‌ترین عوامل توسعه‌یافتگی نیز هستند، بدین منظور تأسیس شده‌اند که پس‌اندازهای خرد مردمی را به‌صورت جذب سپرده جمع‌آوری کرده و بابت مدت‌مانسی که سپرده‌ها را در اختیار دارند، بهره‌ای متناسب با اوضاع، احوال و شرایط اقتصادی به سپرده‌گذاران پرداخت کنند. این سپرده‌ها سرمایه‌های عظیمی را برای اعطای تسهیلات بانکی به مؤسسات و بنگاه‌های مولد که بار توسعه‌یافتگی اقتصادی و اشتغال را بر دوش دارند، تجهیز می‌کنند که در اثر اعطای تسهیلات به این بنگاه‌ها، جریان پولی کشور در مجرای صحیح قرار می‌گیرد و چرخه پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، درآمد و پس‌انداز شکل می‌گیرد. متأسفانه در بسیاری از کشورهایی که روند توسعه اقتصادی با معضلات و مشکلات بسیار عظیم بنیادی روبه‌رو است، کارکرد مؤسسات مالی و اعتباری نظیر بانک‌ها نیز از کارآمدی و بهره‌وری لازم برخوردار نیستند. در کشور ما که یک ساترا سیاسی به‌نام «جمهوری اسلامی» برخوردار است، سعی شده اقتصاد را با موازین اسلامی تطبیق دهند در حالی که اقتصاد و آیدئولوژی که مصداق بارز آن دین‌باوری است، دو مقوله مجزا از یکدیگر هستند. در سیستم بانکداری سنتی ما که شائبه ربوی در آن وجود داشته است، قانون بانکداری اسلامی بدون‌ربا از سال ۶۲ وضع و به‌اجرا گذاشته شد که متأسفانه عملکرد چند دهه این قانون نشان داده است سیستم بانکداری ما قادر نیست که در ظرفیت‌های اقتصادی و پولی کشور منطبق شود و در ارائه ابزارهای نوین بانکی نظیر بانکداری بین‌المللی، موفق عمل کند.

سؤال اینجاست چه شد که بتوانستیم و در بانکداری شاهد نرخ سود خانمان برانداز هستیم در صورتی که کشورهای دیگر نرخ سود به‌مراتب پایین‌تر از ما و نظام بانکی منضبط‌تری نسبت به ما دارند؟

بانکداری بین‌المللی در یک ساختار اقتصاد آزاد و رقابتی قرار دارد که در آن، ساختار رقابت نهادینه شده است و بازارها براساس مکانیسم عرضه و تقاضا، قیمت عادل‌ه را در مورد کالاها تعیین می‌کنند. منظور، تنها بازار کالا نیست، بازار پول، ارز، کار و دیگر بخش‌ها نیز مدظر است و با همین سیستم اداره می‌شود. متأسفانه در سیستم بانکداری ما نرخ پول با همان بهره بانکی براساس مقررات و دستورالعمل‌هایی که از سوی سیاست‌گذاران پولی دیکته می‌شود، تعیین می‌شود و به همین‌جهت هیچ‌گونه رقابتی در بازار

ثبات در بازار ارز

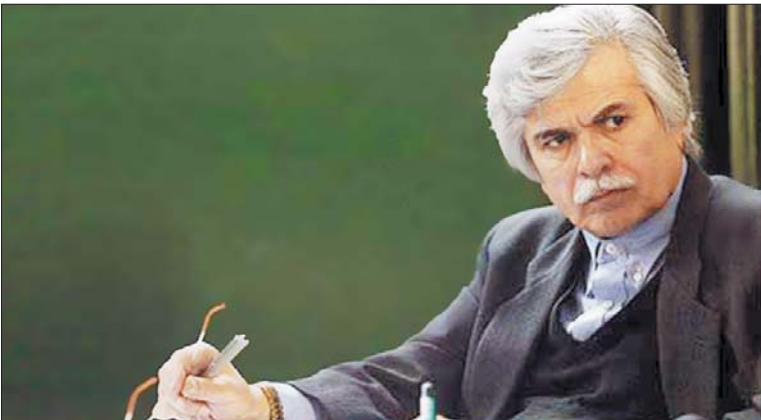
شرق: هرچه به ضرب‌الاجل ۱۰ تیر نزدیک‌تر می‌شویم، دلار بیشتر به سمت کاهش قیمت متمایل می‌شود. دیروز دلار در مسیر کاهشی خود تا سه هزارو ۲۶۷ تومان هم پیش رفت، اما این آخرین قیمت دلار نبود و در آخر معاملات بازار ارز قیمت هر دلار آمریکا به سه هزارو ۲۷۲ تومان رسید. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: از زمانی که دلار زیر سه هزارو ۳۰۰ تومان نوسان می‌کند، عوامل بانکی دیگر برای تعیین قیمت دلار نمی‌آیند، درهمین‌استاد دیروز هم به بازار نیامدند. دراین‌بین، برخی در بازار از مدت‌ها پیش و از زمانی که دلار در مسیر کاهش قدم برداشت به‌صورت نامحسوس به‌طوری‌که بازار دچار نوسان نشود، اقدام به خرید دلار می‌کنند یا این تحلیل که با رفع تحریم‌ها هم قیمت دلار در طولانی‌مدت افزایش خواهد داشت. سایر ارزها دیروز در بازار آزاد تهران نوسانی کمتر از ۱۰ تومان داشته‌که نشان از ثبات بازار دارد.

ارز	قیمت	تغییر
دلار	۳۲۷۳۳	↓
یورو	۳۷۲۵	↓
پوند	۵۲۰۰	↑
درهم	۸۹۶	↓

اقتصاد

گفت‌وگو با محمود جام‌ساز در مورد مؤسسات مالی غیرمجاز و چرایی عدم برخورد با آنها

توزیع ثروت در اختیار شهروندان درجه یک



پول وجود ندارد. به دلیل ضعف بازار پول رسمی و همچنین ضعف عملکرد بانک مرکزی، بازارهای پولی غیرمتشکل نیز ایجاد شده است که اختلال عظیمی در چرخه پولی کشور به وجود آورده‌اند. متأسفانه با وجود اسلامی‌بودن اصول بانکی، بهره‌های بانکی که علی‌الظاهر جای خود را به‌کارمزد یا سود داده‌اند، بسیار بالا تعیین شده و شاید چندین برابر بهره‌های بانکی‌ای که در کشورهای توسعه‌یافته مورد استفاده قرار می‌گیرد، است این امر خود، قانون بانکداری بدون ربا را زیر سؤال می‌برد. اما در حال حاضر سیستم بانکداری ما در یک ساختار اقتصاد نفتی دولتی رانتی فعالیت می‌کند، بنابراین نباید انتظار داشت که این سیستم نیز مانند سیستم‌های بانکداری بین‌المللی عمل کرده و توسعه یابد.

ما می‌فرمایید اقتصاد ایران از یک سیستم نفتی، دولتی و رانتی برخوردار است. به وجود آمدن این بازارهای پولی غیرمتشکل، تا چه حدی نشأت گرفته از شبکه‌های قدرت و فساد در اقتصاد و سیاست است؟

در ساختار اقتصاد نفتی و رانتی، متأسفانه نفت یکی از عوامل مهم اقتصادی و سیاسی است. درآمدهای فروش ثروت ملی قبل از هرچیز، دولت‌ها را تقویت می‌کند به همین دلیل، دولت‌ها به پشتوانه همین درآمد‌ها بر کل اقتصاد حاکمیت می‌یابند، یعنی متولی بخش عظیمی از اقتصاد می‌شوند. یک آمار ساده نشان می‌دهد نسبت بودجه عمومی به‌کل بودجه (جی‌دی‌پی)، از ۳۸ درصد در سال ۵۷ به ۲۵٫۵ درصد در سال ۹۳ کاهش یافته است این امر با نگرانی آن است که دولت در هر فعالیت اقتصادی‌ای که در اختیار بخش خصوصی بوده است، شرکت کرده بدون آنکه سختی‌بی با آن داشته باشد. فراگیری اقتصاد دولتی مسلمانا دایره رانت‌ها را گسترده کرده و این گسترده‌گی در چرخه پولی کشور نیز مؤثر افتاده است. متأسفانه به سبب ناکارآمدی مجموعه راهکار اقتصاد دولتی نفتی رانتی به موازات درآمدهای سیستم نفتی، کسر بودجه‌های دولتی نیز افزون‌تر شده که تأمین این کسر بودجه طی سال‌ها اسباب افزایش نقدینگی را فراهم کرده است به‌طوری‌که در حال‌حاضر حجم نقدینگی به ۷۸۰ تا ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. متأسفانه هم نقش سیاست‌های مالی دولت و هم نقش سیاست‌های پولی بانک مرکزی در بروز و ظهور این حجم نقدینگی، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، زیرا دولت در بی تأمین کسری بودجه، مجبور است از بانک مرکزی استقراض کند که خالص بدهی دولت به بانک مرکزی را افزایش می‌دهد یا به فروش دلارهای نفتی به بانک مرکزی اقدام می‌کند و درمقابل برای تأمین هزینه‌های ریالی، ریال تحویل می‌گیرد، این فرایند باعث می‌شود خالص دارایی‌های بانک مرکزی افزایش یابد و پایه پولی گسترش پیدا کند و در طرف دیگر ضریب تکاثر پولی در روی آن تأثیر گذارد و حجم نقدینگی افزایش یابد. از سوی دیگر، بانک مرکزی هم به سبب عدم استقلال مالی و پولی از دولت، قادر به تعیین و تبیین سیاست‌های پولی برای حفظ ارزش پول و کمک به توسعه اقتصادی و ثبات اقتصادی که از وظایف مهم سیاست‌های پولی است، نیست. متأسفانه نظارت کافی نیز بر بانک‌ها نداشته و

رشد شاخص مطابق باپیش‌بینی‌ها			
عنوان شاخص	مقدار	تغییر	
کل	۶۳۸۳۹۰۶	۲۷۶۰۵	
۳۰ شرکت بزرگ	۲۹۲۴۰۲	۱۴۰۲	
آزاد شتاور	۷۲۹۱۳۳۰۴	۲۷۳۰۶	
شاخص قیمت	۲۶۵۲۵۴۰	۱۱۴۰۹	
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۷۷۴۳	۲۰۸۶-	
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۶۰۰	۲۵۰۱-	

شرق: شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در پایان معاملات دیروز با افزایش ۲۷۶ واحدی به رقم ۶۳ هزار و ۸۳۹ واحد رسید. معاملات ارزی نیز با افزایش نسبت به روز چهارشنبه روبه‌رو شد و به نزدیک به ۲۰۰ میلیارد تومان رسید. فراز مسافری‌را، تحلیلگر بازار سرمایه، به «شرق» گفت: طبق پیش‌بینی‌ها روند بازار رو به رشد بود، اما در انتهای وقت معاملات، با افزایش عرضه، بازار تضعیف شد که احتمال می‌رود در ادامه آن بازار امروز نیز با عرضه بیشتر روبه‌رو شود و به‌این‌ترتیب شاخص‌ها منفی شود. هرچند این روند پیش‌بینی تا اعلام نتایج قطعی مذاکرات در دهم تیرماه ادامه‌دار خواهد بود. وی افزود: در معاملات دیروز تالار شیشه‌ای، بیشترین ارزش معاملات مربوط به معاملات عمده تابکیو، بانک تجارت، هلدینگ خلیج فارس، توسعه صنعتی ایران و ایران‌ترانسفو بود که در مجموع ارزش ۱۱۰ میلیارد تومان را به خود اختصاص دادند.

را تعطیل و منحل کند، زیرا اسباب بروز تنش‌های اجتماعی فراهم می‌شود، بنابراین دولت لازم است تا با درایت خاص، نسبت به ساماندهی این مؤسسات اقدام کند، به‌طور مثال، آنها را در بانک‌های دولتی یا خصوصی که مورد اعتماد مردم هستند و دولت نیز به‌لحاظ مالی و اعتباری از آنها حمایت می‌کند و آنها دارای سپرده‌های قانونی و آزاد در بانک مرکزی هستند، ادغام کند. دراین‌خصوص، لازم است شفافیت هرچه بیشتر نسبت به عملکرد این مؤسسات توسط مقامات مسئول در رسانه‌ها صورت گیرد و مردم را مطمئن کنند که سپرده‌ها و دارایی‌های آنها محفوظ خواهد ماند و آنها می‌توانند به جای مؤسسات مالی و اعتباری بدون مجوز، در بانک‌ها و مؤسسات مالی معتبر، به فعالیت‌های پولی و بانکی خود ادامه دهند.

ما تا چه حد خوشبین به ساماندهی این مؤسسات، توسط دولت هستید؟

دولت یازدهم در حالی مسئولیت خطیر قوه اجرایی کشور را بر عهده گرفته که نابسمانی اقتصادی در دادعلی و تورم، بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری و رکود از مهم‌ترین علل‌ام ناکارآمدی دولت‌های نهم و دهم بود. امید دریافت درآمدهای نفتی نیز به سبب تحریم‌های بین‌المللی، بسیار ضعیف بود و بهای جهانی نفت نیز کاهش یافت و دولت را در تنگنای شدید مالی قرار داد مسلما ورود دولت به حل چالش‌های بسیار متنوع، اعم از سیاسی اقتصادی، اجتماعی و معضلات مبتلابه جامعه، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و صحیح و همچنین پشتوانه مالی متناسب برای دستیابی به اهداف موردنظر دولت است. متأسفانه در مرحله اول، دولت از بعد سیاست داخلی نسبت به وعده‌هایی که در مورد کاهش تورم، بیکاری، رکود و افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مثبت به جامعه داده بود، اقداماتی را انجام داد، اما این اقدامات نتایج دلخواه را به‌بار نیاورد، تنها در زمینه کاهش تورم موفقیتی حاصل شد که در پایان ۹۳ به ۱۵٫۵ درصد کاهش یافت، اما رکود و بیکاری همچنان بر جامعه حاکم است و بهره‌وری نیز در حدی نیست که بتواند ظرفیت‌های اقتصادی را تحریک کند. رشد اقتصادی ۳٫۵ درصد مثبت نیز گرچه دستاورد مثبتی است، اما قادر نیست که به جذب نیروی کار بپردازد، زیرا شرکت‌ها و مؤسسات کوچک و متوسط که زیر ظرفیت خود کار می‌کنند، اگر مورد حمایت و عنایت لازم دولت از لحاظ تسهیلات بانکی قرار گیرند، (البته دولت در بودجه حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان برای آنها در نظر گرفته است) از نظر آنکه بیشتر آنها کارگران خود را اخراج نکرده‌اند، حمایت از این بنگاه‌ها اسباب افزایش رشد اقتصادی را فراهم می‌کند اما با بهره‌گیری از کارگران موجود، در حال حاضر معضل بیکاری در جامعه مخصوصا میان آحاد دانش‌آموختگان دانشگاهی بسیار پیچیده است و از نظر آنکه دولت در تنگنای مالی شدید قرار دارد، مسلما دستیابی به همه اهداف از پیش تعیین‌شده قدری تردیدآمیز به‌نظر می‌رسد. از سوی دیگر، مبارزه با فساد اقتصادی که ریشه توسعه اقتصادی کشور را زده است، در دستور کار دولت قرار دارد و به همین سبب تاکنون بخشی از اخلاک‌ران و اخلاص‌کنندگان را که هزاران میلیارد تومان اخلاص کرده‌اند، معرفی کرده‌اند البته تعقیب قضائی و بازپرس‌گرفتن اموال عمومی و محکومیت، بر عهده قوه‌قضائیه است. در حال‌حاضر یکی از مهم‌ترین ابزار تولید فساد در کشور، همین مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز هستند، زیرا سپرده‌های خرد مردمی را در جهت اعطای تسهیلات یا به شرکت‌های صوری متعلق به خودشان یا به افراد خاص درجه یک وابسته به رانت‌های قدرت ثروت، معطوف می‌کنند، زیرا هیچ‌یک از مشتریان این مؤسسات تسهیلات دریافتی را برای تولید به‌کار نمی‌نم‌ی‌و به سوداگری و سفته‌بازی و خروج سرمایه از کشور مشغول هستند. به‌طوری‌که در یک دوره ۱۰ساله با توجه به آمارهای موجود منتشرشده، خروج سرمایه از ایران ۱۲۵ برابر شده است که نمی‌توان نقش مؤسسات پولی و اعتباری بدون مجوز را در آن نادیده گرفت.

تداوم حباب منفی

شرق: دیروز بازار سکه اندکی افزایشی بود به طوری که حباب منفی ۱۲هزار تومانی روز پنجشنبه تا ۱۰هزار تومان کاهش یافت. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: صبح دیروز هر سکه با قیمت ۹۱۲هزار تومان معامله شد. در ادامه معاملات قیمت هر سکه تا ۹۱۶هزار تومان هم بالا رفت، اما آخرین قیمتی که برای هر سکه ثبت شد، ۹۱۵هزار تومان بود. معاملات اونس طلا در بازارهای جهانی هر هزارو ۲۰۰ دلار ایستاد که نسبت به قیمت هزارو ۲۰۳ دلار روز پنجشنبه سه دلار افت قیمت دارد. تازه‌ترین تحلیل‌ها نشان می‌دهد در شرایط کنونی سطح حمایتی طلا هزارو ۱۹۲ دلار و سطح مقاومتی هزارو ۲۰۴ دلار خواهد بود. مدیر مؤسسه گلوبال اینوستورز، معتقد است افزایش قیمت طلا به بالای مرز هزارو ۲۰۰ دلار تحول مثبتی برای بازارهای جهانی است و از احتمال رشد ۱۵درصدی اونس تا پایان سال خبر داد.

طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۱۵۰۰۰	↑
طرح قدیم	۹۱۵۰۰۰	↑
نیم‌سکه	۴۵۹۰۰۰	↓
ربع‌سکه	۲۵۹۰۰۰	↑
گرمی	۱۶۹۰۰۰	↑
گرم ۱۸ عیار	۹۲۷۱۵	↓
اونس طلا (دلار)	۱۲۰۰	↓

بانکی‌های غیرمجاز بزرگ‌ترین خطر اقتصاد
نادر هوشمندنیار ـ استاد دانشگاه

● متأسفانه آشفتنگی در اقتصاد ایران در سال‌های گذشته افزایش یافته است. هرکس یا هر گروهی، می‌تواند برای خود به یک ماهیگیر بزرگ تبدیل شود و از آب گل‌آلود اقتصاد ایرانی مروارید صید کند. البته در مورد مؤسسات بانکی یا نهادهای غیرمجاز پولی، وضع تا حد زیادی فرق می‌کند. گروه زیادی از آنها برای خود چیزی شبیه فاجعه یا یک زیان بزرگ شکار کرده و از همین منظر، یک زیان بزرگ هم بر مردم تحمیل می‌کنند، اما تعداد محدودی از آنها برای خود مروارید شکار می‌کنند ولی چیزی که برای مردم به‌جای می‌گذارند، زانی است که مشتریان این مؤسسات سال‌ها نمی‌توانند از زیر پا فشار آن خلاص شوند. اما در یک نگاه کلی و فارغ از اوضاعی که این نهادهای مالی به‌وجود می‌آورند، می‌توان به‌جرت گفت، مؤسسات غیرمجاز، این روزها نمونه کامل، شفاف و روشن نظم‌گریزی و استقرار وضعیت ملوک‌الطوایفی در اقتصاد کشور هستند. برای لحظه‌ای توجه کنید که مسئولان و دست‌اندرکاران رسمی اقتصاد کشور می‌گویند حدود هفت هزار مؤسسه مالی غیرمجاز در کشور وجود دارد. هفت هزار عدد کوچکی برای مؤسسات غیرمجاز نیست. درواقع، این رقم نشان می‌دهد دروازه اقتصاد بدون هیچ محدودیتی برای فعالیت‌های غیرمجاز و فاقد شناسنامه باز بوده است اما چون در حیطه رفتار یا محیط این گروه‌های غیرمجاز، رقابت شدیدی هم بین آنها شکل گرفته است، ظاهرا تنها چند فقره از این مؤسسات توانسته‌اند بدون هیچ‌گونه نظم‌پذیری و توجه‌ناداشتن به قوانین ملی اقتصاد، برای خود دکان و دفتر موفقی در بازار پول به راه بیندازند. جالب اینجاست که در سال‌های گذشته و در کوران تولید، نقدینگی‌های غیرمولدی که شکل گرفته و در دست اقتصاد کشور داده‌اند (به میزان بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان)، ظاهرا ۱۶۰ هزار میلیارد تومان از این نقدینگی غیرمولد را مؤسسات فوق یا این نهادهای غیرمجاز بانکی به وجود آورده‌اند. چند وقت پیش یک عضو اقتصادی مجلس، اعلام کرد لیزینگ‌ها هم در سال‌های گذشته فضا را مساعد دیده و به شکل غیرمجاز مثل قارچ رشد کرده‌اند. در حال حاضر فقط ۳۷ لیزینگ با بانک مرکزی مجوز گرفته‌اند و بیش از ۳۰۰ لیزینگ بدون مجوز درحال فعالیت هستند. اینها را گفتم تا با اتکا به اعداد و ارقام، به یک نکته اشاره کنم. براساس فرضیات علم اقتصاد وقتی در یک محیط اقتصادی شیوه‌های غیراصولی برای کسب سود رواج یابد و حتی از سوی بخش‌های کل مدیریت نیز به واسطه تولید رانت هدایت شود، می‌توان گفت توسعه در این محیط به نقطه اغما نزدیک شده یا به نقطه اغما رسیده است. به نظر می‌رسد حتی درهای نباید به این نظریه شک کرد. چون وقتی فعالیت‌های مولد مثل واحدهای صنعتی با سرعت زمین بخورند و به اندازه‌ها هم سرعت و به موازات این سقوط، نهادهایی با شکل و شمایل بانکی رسمی شکل بگیرند و به تعدادی از آنها نتوان گفت بالای چشم ابرو دارید، به چیزی جز مرگ توسعه نمی‌توان فکر کرد. در این فضا از یک‌سو تولید ورشکسته می‌شود، رکود گریبان اقتصاد را می‌گیرد و تورم طبقاتی یک معضل برای مردم تبدیل می‌شود و از سوی دیگر، نهادهایی غیرمجاز شکل می‌گیرند و در این فضای مخدوش اقتصادی، اقدام به سودآوری و اغتشاش بازار پول می‌کنند تا از این طریق به سودهای کلان دست یابند. وقتی کار به اینجا می‌رسد، چون این مؤسسات تاج هیچ نظمی نیستند، از هر تصمیمی هم برای خود کلاه نم‌دی می‌سازند که به‌سود می‌رسد. نمونه این ماجرا تصمیم بانک مرکزی برای کاهش نرخ سود است که درست فردای این تصمیم، این مؤسسات اعلام کردند سود بیشتری برای استفاده از پول‌های سرگردان پرداخت می‌کنند. آنها خوب بلدند که چگونه آشفتنگی‌ها را به برگ‌برنده‌ای برای دریافت سود تبدیل کنند. به‌هرحال، بدون شک باید باور کرد که مانور سازمان‌یافته گروهی از مؤسسات غیرمجاز که دامنه عملیات آنها نه‌تنها غیرمولد، بلکه ضریب ورشکستگی را در جریان مبادله ملی افزایش می‌دهد، می‌تواند بهترین نشانه برای ضعف سازماندهی مدیریت در اقتصاد کشور باشد. البته این بهترین و نرم‌ترین روایتی است که می‌توان ارائه داد، یعنی اگر نخواهیم بگوییم که اقتصاد سیاسی کشور و تصمیم‌سازی‌های مدیریتی گرفتار رانت‌پذیری و گسترش رانت شده‌اند و همه‌چیز در گردونه هزینه‌های مبادله بر این اساس شکل می‌گیرد، تنها می‌توان به ضعف مدیریتی اشاره کرد. به‌طور حتم، باید تجهیز نهادی در اقتصاد ایران صورت بگیرد تا هرچه سریع‌تر سدی در مقابل این نوع رفتار اقتصادی به‌وجود آید در غیراین‌صورت، موج رسمی و نشانه‌دار چنین اقتصادی یا شکل‌گرفتن چنین مؤسساتی، می‌تواند همه اقتصاد کشور و درنهایت، خط توسعه را گرفتار گردابی گل‌آلود کند. لطفاً کمی برای ترمیم این موقعیت عجله کنیم. چون تابه‌حال سابقه نداشته است که در روز روشن و به شکل کلا رسمی و شب، مؤسساتی شکل بگیرند و با دقت‌ورستک و بدون تعارف، کلاه از سر اقتصاد بردارند. این خطری بزرگ است.